

نگاهی به فیلم «خانواده فیلمن» و چند فیلم دیگر که سوژه‌شان سینماست

خانواده فیلمن

وقتی سینما جادو می‌کند و رؤیا می‌بافد

احمد محمدتبریزی / در سینما خیلی عرف نیست که فیلمسازان درباره سینما فیلم بسازند. به همین خاطر تعداد فیلم‌هایی که سینما را محوریت فیلم‌شان قرار می‌دهند خیلی کم است. احتمالاً کارگردان‌ها پیش خودشان فکر می‌کنند سینما مسأله‌ای شخصی و مخصوص به آنهاست و برای مخاطبان عام جذابیت زیادی ندارد. با این حال هرگاه کارگردانان بزرگ، سینما را سوژه فیلم‌شان قرار داده‌اند، اثری درخور و تماشایی خلق کرده‌اند.

شروع عشقی بزرگ

استیون اسپیلبرگ کارگردان بزرگ امریکایی در آخرین فیلمش به سراغ سال‌های نوجوانی و پا گرفتن عشقی آتشین در وجودش رفته است. «خانواده فیلمن» یا «فیلمنز» یکی از بهترین فیلم‌های چند سال اخیر اسپیلبرگ است که تا الان جایزه بهترین فیلم درام گلدن گلوب را برده. فیلم به طور شگفت‌انگیزی ما را به دنیای دیوانه‌وار پسری به نام سمی فیلمن می‌برد و جنون او به سینما را نشان می‌دهد. دنیای شخصیت سمی که برگرفته از زندگی اسپیلبرگ است، با دیگر همسن و سالانش تفاوت دارد و عشق به سینما چنان در وجودش رخنه کرده که می‌خواهد همه چیز را از پشت دوربین ببیند. سمی پس از آشنا شدن با جادوی سینما، دل‌باخته و متحیر این هنر شگفت‌انگیز می‌شود. فیلم برای شروع به دهم ژانویه ۱۹۵۲ می‌رود. سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و دورانی که سینما در حال رشد و گسترش است. سمی می‌خواهد برای اولین بار به سینما برود و نخستین فیلم زندگی‌اش را روی پرده نقره‌ای به تماشا بنشیند. اتفاق بزرگ

همین جا در زندگی سمی رقم می‌خورد و جادویی بزرگ در زندگی‌اش رخ می‌دهد. در آن شب سرد زمستانی، فیلم برای تمام حاضران در سالن تمام می‌شود ولی برای سمی تازه سرآغاز یک ماجراجویی بزرگ است. رؤیایی دلنشین وارد زندگی سمی شده و او را با خود برده است. با دیدن فیلم در سینما، زندگی سمی به دو بخش تقسیم می‌شود: او حالا با فیلمی که دیده زندگی می‌کند و لحظاتی رنگ و بوی دیگری گرفته است. سمی دیگر آن آدم سابق قبل از رفتن به سالن سینما نیست.

فیلم‌ها مثل رؤیا هستند

قبل از ورود به سینما مادر رو به سمی می‌گوید «فیلم‌ها مثل رؤیا می‌موند» و سمی این جمله را با گوشت و پوستش درک می‌کند. مادر در ادامه این مسیر سخت به بزرگترین همراه و مشوق او تبدیل می‌شود. مادر اولین کسی است که به سمی دوربین فیلمبرداری می‌دهد و می‌گذارد پسرش صحنه تصادف اسباب‌بازی‌هایش را همانند همان تصویربرداری که در سینما دیده فیلمبرداری و بازسازی کند. هرچه زمان می‌گذرد دوربین و تصویرسازی تمام زندگی سمی می‌شود. او با دقت و وسواس عجیبی از هر چیزی

که می‌بیند فیلمبرداری می‌کند و هر چه می‌گذرد قاب‌ها، تصاویر و سینما در ذهنش پررنگ‌تر می‌شود. وقتی اولین فیلمش را با بازی خواهرها و همکلاسی‌هایش می‌سازد با اینکه فیلمش فیلم کوچکی است ولی با تحسین بسیاری از سوی اطرافیان روبه‌رو می‌شود. از همان فیلم کوچک می‌شد حدس زد چیزی در درون این پسر بچه مشتاق می‌جوشد که او را از دیگران متمایز می‌کند. سمی سینما را زندگی می‌کند و به شکل یک تفنن به آن نگاه نمی‌کند. پدر باینکه در ابتدای راه مخالف خرج کردن پول‌های سمی برای سینما و سرگرمی است و همانند دیگر والدین با

نگاه سنتی‌اش می‌خواهد فرزندش اول به درس و مشق‌هایش برسد. اما او هم در ادامه به حامی و مشوقی بزرگ تبدیل می‌شود. «خانواده فیلمن» به خوبی نشان می‌دهد برای تبدیل شدن به کارگردانی بزرگ باید چه عطش و شوری عجیب در درون داشت. سمی به عنوان شخصیت اصلی فیلم، جز سینما به چیز دیگری فکر نمی‌کند. او خیلی زود می‌فهمد چطور با سینما می‌توان از شخصی، قهرمان ساخت یا او را منفور و منزجرکننده نشان داد. اسپیلبرگ در «خانواده فیلمن» تصویری عریان و حقیقی از زندگی‌اش نشان

می‌دهد. او به دنبال آن نبوده که از خودش قهرمان بسازد یا بگوید خانواده‌ای بدون نقص داشته است. اتفاقاً او روی مشکلات شخصیتی یا خانوادگی‌اش خیلی مستقیم دست گذاشته و ناکامی‌های خانوادگی و شخصی‌اش را به تصویر کشیده است. با تماشای «خانواده فیلمن» به خوبی متوجه می‌شویم چطور اسپیلبرگ فیلم‌هایی تماشایی به نام «نجات سرباز رایان»، «فهرست شیندلر»، «پارک ژوراسیک» و «ای‌تی» موجود فراموشی» را ساخته است و به یکی از بزرگترین کارگردانان سینمای جهان تبدیل شده است.

چند فیلم دیگر درباره سینما

فیلم‌هایی با سوژه سینما برای عاشقان هنر هفتم، فیلم‌هایی جذاب و تماشایی هستند. برای کسانی که فیلم‌های سینمایی همچنان برایشان محسوس‌کننده و هیجان‌انگیز است هر فیلمی در ارتباط با سینما، حالی سرخوشانه به آنها می‌دهد. «سینما پارادیزو» معروف‌ترین فیلم با محوریت سینماست. ساخته جوزپه تورناتوره را می‌توان در هر دوره و زمانی دید و لذت برد.

«سینما پارادیزو» یک سرخوشی محض با سینماست و دقیقاً همین حس و حال فیلم، آن را به فیلمی کالت و ماندگار تبدیل کرده است. عشق خالصانه «توتو» با آن چهره معصومانه به سینما و سرگ کشیدن‌هایش به تنها سالن سینمای نزدیک خانه‌شان و ماجراهایی او با اطرافیان، چیزی نیست که به این زودی از خاطر بینندگان فیلم برود. فیلم «هشت و نیم» فردریکو فلینی یکی دیگر از فیلم‌های مشهور تاریخ سینماست که سوژه اصلی‌اش در مورد فیلم‌سازی است. فیلم فضای

عجیبی میان وهم و واقعیت دارد و داستانی عجیب را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. فلینی با استفاده از تکنیک‌های سینمایی و ذکاوت و خلاقیت خودش تصاویری بدیع خلق کرده و چنان آنها را با موسیقی درآمیخته که تصاویر فیلم به این زودی از ذهن تماشاگر نمی‌رود. «آرتیست» فیلم معروف دیگری است که در سبک فیلم‌های صامت قدیمی به صورت سیاه و سفید ساخته شد و با هنرنمایی ژان دوزاردین به اثری تحسین‌برانگیز تبدیل شد. فیلم از عشق به سینما در دهه ۲۰ میلادی حرف می‌زند و داستان یک بازیگر فیلم‌های صامت را روایت می‌کند.

«منک» و «روزی روزگاری در هالیوود» فیلم‌های دیگری هستند که در سال‌های اخیر ساخته شده‌اند و هر کدام سینما را از جنبه‌ای خاص روایت می‌کنند.

«منک» به کارگردانی دیوید فینچر، پشت صحنه فیلم «همشهری کین» را سوژه خودش قرار داده و تماشاگر را در جریان اتفاقات پیش آمده در



طول ساخت این فیلم قرار می‌دهد. یکی دیگر از کارگردانان بزرگ هالیوود به نام کوئنتین تارانتینو هم، سینما را سوژه فیلم خودش قرار داد تا اثری درباره سینما بسازد. تارانتینو در «روزی روزگاری در هالیوود» وضعیت فیلمسازی در هالیوود را محور قرار داده و با نگاه مختص به خودش فیلم را روایت می‌کند.

در میان فیلم‌های ساخته شده با سوژه سینما، سینمای ایران نیز بی‌نصیب نیست و چند فیلم خوب در این زمینه دارد. شاید معروفترین فیلم با چنین سوژه‌ای «ناصرالدین شاه آکتور سینما» باشد که عشق ناصرالدین شاه به سینما را به تصویر می‌کشد.

این فیلم حکم نوعی خاطره‌بازی با فیلم‌های ماندگار سینمای ایران مثل «دختر لر»، «گاو» و «قیصر» را دارد و با بهره گرفتن از خلاقیت‌های روایی و بصری، فضایی کمیک و فانتری را مقابل چشم مخاطب قرار می‌دهد. فیلم بیشتر از آنکه درباره سیاست باشد درباره سینماست و با بهره گرفتن از عنصر رؤیابرداری تصویری